



در این شماره می‌خوانید:

۲ پیشران پارادایمی مرجع در
الگوی پیشرفت

۴ بازخوانی ساختاری سوره بقره
(الزهراء)

۵ هستی‌شناسی زمان، فلسفه سیاست
با سوره اعراف

۹ رخدادهای حکمت استعلایی

۱۱ بررسی دعای ابوحمزه از چشم‌انداز
جامعه‌شناسی معرفت

به نام خداوندگار حکمت تغییر

پیش‌حکایت

«الگوی پیشرفت» چارچوب مفهومی - نظری کلان و منسجمی است که وضعیت مطلوب جامعه را در امتداد ارزش‌های آرمانی در قالب افق زمانی معین تصویر می‌کند و نقشه راه دستیابی به آن را نشان می‌دهد و به این قرار، راهنمای عمل حکمرانی پیشرفت در ابعاد فردی و اجتماعی قرار می‌گیرد. الگوی پیشرفت سامانه گزاره‌ای معطوف به مسئله پیشرفت است که در همه سطوح معرفت منجر به اقدام، از سطح مبانی پارادایمی تا نظریه، مدل مفهومی و تا مدل تجربی و پایش بازخوانی آن جریان دارد. منظور از الگو در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت (الگوی راهبری تحول) کلان‌نظریه دین‌شناخت پیشرفت است. این الگو در بردارنده کلان‌طرح اجتماعی در نظام حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران در سطح تحقیق و توسعه‌ای (در افق چشم‌انداز معین زمانی) و آینده‌نگار راهبردی برای خروج از وضع موجود و وصول به وضع مطلوب پیشنهادی است. به تعبیری دیگر، کلان‌نظریه مزبور مهندسی تحول اجتماعی را نشان می‌دهد. بدین سان، الگوی پیشرفت یا الگوی راهبری تحول، امتداد تجویزی و آینده‌نگار و راهبردی نظریه پیشرفت است. نظریه پیشرفت بر بنیان مبانی معین نظری و در چهره ارزشی - هنجاری و تجویزی الگو در بستر زمان و مکان متجلی می‌شود. علاوه بر آن، در ضمن تجارب ناشی از کاربرستی الگو در هر دو فرایند پیش‌رونده تا مرحله اقدام برنامه‌ای و پس‌رونده در مراحل پایش همه سطوح الگو جریان مستمر رفت‌وبرگشتی داشته و خویش را در ارتقای مستمر کیفی - کمی سازوکار ملی پیشرفت آشکار می‌سازند.

در این شماره، گزارش‌های چندین پیش‌روی مخاطب قرار می‌گیرد:

۱. در گروه پژوهش‌های نظری و مطالعات مبنا، در فصل پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت گزارش «پیشران پارادایمی مرجع در الگوی پیشرفت» در دستور تأمل آمده است؛
۲. در گروه مطالعات تفسیری در پردازش حیث استنادی اندیشه مرجع تفسیری به متن نص از جمله گزارش‌های «سامان عمومی ترتیبی سوره حدید»، «بازخوانی ساختاری سوره بقره (الزهراء)»، «سامان درونی نظام تنزیل» و «هستی‌شناسی زمان فلسفه سیاست با سوره اعراف» مرور خواهد شد؛
۳. فراوری الگوی اخلاق و سبک زندگی یا حیث زیستمانی اندیشه و نظریه پیشنهادی پیشرفت، فصلی از فرصت پژوهش در گروه اخلاق و سبک زندگی است. بر این اساس، دو گزارش «رخداد حکمت استعلایی» و «بررسی دعای ابوحمزه از چشم‌انداز جامعه‌شناسی معرفت» در این شماره به معرض نظر می‌آید.

دبیر علمی

دیر علمی: احمد آکوچکیان

در گروه پژوهش‌های نظری و مطالعات مبنا در فصل پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت، گزارش «پیشران پارادایمی مرجع در الگوی پیشرفت» در دستور تأمل آمده است.



پیشران پارادایمی مرجع در الگوی پیشرفت



در ایران و از مجرای دیالکتیک اندیشه مرجع دین‌شناخت پیشرفت و پیشرفت‌شناخت دین و برای نمونه فقه سیاسی با امر دولت، در ساحت مطالعات اسناد ملی پیشرفت ایران معاصر. از همین روی، مقوله دولت - ملت ایرانی در چشم‌انداز این دو مسئله، در دستور تأملات تئوریک وی قرار می‌گیرد و البته برحذر است که سررشته این گذار، بیگانه از الگوی فهم نص مقدس نباشد و آن را در پروژه نظریه و مکتب تفسیری پیشرفت‌شناخت پی‌گیر است.

رخدادهای اندیشه‌ای و گفتمانی دو سده اخیر ایرانی را متن تدبیرات منورالفکران ایرانی - که در دو سده گذشته همواره دغدغه اصلاح کژکارکردی سامان سیاسی و اجتماعی در ایران را داشته‌اند - پی‌گیر است و در دو عرصه عدالت فرهنگی (فرهنگ عدالت) و دولت عامل بالعدل - ملت قائم بالقسط (دولت عدل) توسعه می‌بخشد.

اندیشناکی نگارنده درباره مسئله راهبردی سازنده فلسفه نظری و عملی قرارداد ملی پیشرفت، یعنی خاستگاه پارادایمی سند پیش‌نویس موجود است که در اجزای فلسفه دینی، هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی دچار اختلال بوده و نمی‌تواند تضمین‌گر اندیشه مرجع در تحقق جامعه قائم بالقسط و نظام عامل بالعدل باشد.

ساختار سند بر بنیان تصویری از دانش مبنای تدبیر طراحی شده که هم‌چنان کاستی ساختاری قانون اساسی را در اختلال پارادایمی - سازوکاری خود دارد.

وقت اندکی برای بازخوانی این مثلث فروکاهنده و تدبیر آن مانده است؛ گویی همه اصناف سوت‌ه‌دلان دغدغه دیگری دارند.

سند پیشنهادی الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت، به مثابه «قرارداد ملی تعبیر جهان - تغییر جهان» برای پنج دهه پیش‌روی ایران اسلامی، اینک در منظر اصلاح و تکمیل و ارتقای اهل نظر است؛ فرصت اندک دو دهه‌ای بر مدار پیشرفت انسانی متکی بر جامعه «قائم بالقسط» و نظام «عامل بالعدل»، پیش‌روست و اولین گام بازخوانی بهینه این قرارداد ملی، بایستی بر ابرپیشران پارادایمی سند متمرکز باشد. با گذار از سیر تطور عقلانیت اجتهادی قرآنی - اوصیایی مدنیت عادلانه، بایستی از فقه مرسوم تشریعی عبور کرده و «تفقه در دین» و عقلانیت حکمی اجتهادی را به‌عنوان ابرپیشران پیشرفت در پارادایم مرجع سند جایگزین کرد و همراه با دو تکاپوی بازخوانی نظام دانایی در کانونی‌ترین عرصه‌های تولید فرهنگ عدالت (به‌طور خاص آموزش و پرورش منابع انسانی) و از این رهگذر فراوری مدنیت ملی، بر بحران دولت‌سازی معاصر جامعه ایرانی به‌عنوان اصلی‌ترین عارضه مانع درون‌زایی مدرنیته اسلامی - ایران غلبه کرد.

پرسش اصلی این پژوهش پیش‌روی سند الگو آن است: «آیا ایده دولت توسعه عدل بایستی حاکم بر نهادها و ساختار حکمرانی و دولت باشد یا ترجمان دولت قدرت و بازتاب آن؟!»

هفت گام تأملات و تدبیرات الهیاتی این قلم در کنفرانس‌های پیشین، به‌منظور جریان جهان نص مستقل از جهان سنت در جهان تجدد مستقل از آن، در تکاپوی گذار از این مسئله الهیاتی با تأکید بر متافیزیک معرفت یادشده (پارادایم الگوی پیشرفت)، اینک رهسپار دو ساحت دیگر شده است. این دو ساحت عبارت‌اند از:

ساحت فرهنگ و فیزیکالیزم دولت و نیز مشکل مثلثی پیشرفت



دیر علمی: احمد آکوچکیان

گروه مطالعات تفسیری در بخشی از تکاپوی دانشی خود، پردازش حیث استنادی اندیشه مرجع تفسیری به متن نص (قرآن کریم و سنت اوصیایی) را در دستور هم‌اندیشی، پژوهش و تألیف دارد و برای نمونه در این شماره، چند گزارش از جمله «سامان عمومی ترتیبی سورة حدید»، «بازخوانی ساختاری سورة بقره (الزهراء)»، «سامان درونی نظام تنزیل» و «هستی‌شناسی زمان، فلسفه سیاست با سورة اعراف» به معرض نظر می‌آید.



سامان عمومی ترتیبی سورة حدید



برجسته فراخوانی به «جریان ایمان‌ورزی» را در فصل انگیزه‌ها، احساسات، رویکردهای انگیزشی و نیز «عملکرد و رفتار بر مدار اتفاق و ایثار» مبتنی بر آن مبانی نظری و این تجربه ایمانی پیش‌رو می‌گذارند:

– در آیه ۷، به هر دو وجه انگیزشی و رفتاری به اختصار اشاره شده است؛

– در آیات ۸ و ۹، بر وجه انگیزشی و ایمانی جریان وجود تأکید شده است؛

– در آیات ۱۰ تا ۱۸، بر وجه رفتاری و عملکردی تأکید شده است؛
– و در آیات ۱۹ تا ۲۴، به برآیند کلیت زیست بالغ دیندارانه آدمیان بر مدار همان دو اصل ایمان و اتفاق پرداخته شده است. آیات نشان می‌دهند که الگوی مطلوب روحی – رفتاری پیشنهادی قرآن و ازجمله سورة حدید بر بنیان پیش هستی‌شناختی – انسان‌شناختی یادشده تصویر شده است.

۳. آیه ۲۵ با تغییر لحن و ادبیات، به اصول انبیایی و درون‌زای هدایت خداوندی پرداخته است؛

۴. آیات ۲۶ و ۲۷ تاریخ انبیا (تاریخ مقدس) و علیت درونی تحول تاریخ را مرور می‌کنند؛

۵. در آیات ۲۸ و ۲۹، همان فراخوانی آیه ۷ (آمِنُوا... أَنْفَقُوا...)، متکی بر کلیت سورة و نیز به طور خاص اصول رسالت انبیایی و کامل‌ترین آن یعنی رسالت نبی خاتم ﷺ تفصیل نظام‌واره‌ای یافته است.

الگوی تفسیر هدی در مکتب تفسیری قرآن کریم



الگوی تفسیر قرآن کریم در دنیای معاصر با ضرورت‌هایی چند همراه است:

۱. درک روشن‌بین نظام مسائل جهان جدید از منظر

اساس آموزه‌های دین مصطفایی ترویج روشن‌بین خواهانی رشد و جای‌دهی بیش و باور به رشد (رشدانگاری و رشدگرایی) و جریان بخشی آن در متن دانش – تدبیر راهبردی فردی، اجتماعی و تمدنی و «زیستمان» در کانون آن‌ها است. این آموزه‌ها و دانش قابل‌برآمدن از آن در یک ساختار و مدل مفهومی نظام‌واره و درضمن یک مکتب راهنمای عمل رشد – توسعه، تنسیق و سامان یافته است تا از این مجرا، معادله دانش – قدرت به روشنی گراید. اینک چارچوب عمومی سورة، راهبر به «نظریه و الگوی معیار رشد» پیش‌رو است. با نمونه سورة «حدید»، کارکرد روش‌شناخت «نظریه و مکتب تفسیری سازوکاری» درضمن ساختار تحلیلی پیشنهادی مرور می‌شود. مرور و تلاوت مستمر سورة و مطالعه تحلیلی تفسیرهای موجود سورة، سامانه عمومی کلیت سورة را پیش‌روی پژوهش مسئله‌محور تفسیری آشکار می‌سازد:

۱. سورة با مباحث هستی‌شناختی و به‌طور خاص از متن و کانون این قسم از شناخت یعنی «خداشناسی» آغاز می‌کند: از «سَبِّحْ لِلَّهِ...» آیه اول تا آیه ششم، با دو اشارت انسان‌شناختی در دو آیه «... وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» و نیز «... وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ»؛ برای به‌دست دادن عمق تفسیر الهیاتی از هستمندی انسانی.

گزاره‌ها در این فصل اخباری‌اند. آموزه‌های فلسفه دینی، معرفت‌شناختی، زیباشناختی و در برآیند آن‌ها «فلسفه حرکت»، در این فراز از سورة قابل‌استنباط هستند؛

۲. آیه‌های ۷ تا ۲۴ گزاره‌هایی

انشایی هستند و دو مبحث



پیشرفت شناخت؛

۲. حضور دین در جهان جدید و ناگزیری پاسخ به مسائل پیش‌رو؛

۳. ضرورت برگزینی و تجربه زبان سخن با نسل معاصر.

در سامان تفسیر ترتیبی، دو گام کلان تفسیری پیش‌بینی شده است:

۱. تفسیر هدی در نگرش کلان انسان‌نگر (دین برای انسان)

پیشرفت‌شناخت به تجدد معاصر ممکن جهان دینی با زبان

مدنیت امروز جامعه هدف؛

۲. تفسیر رشد به منظور بسامان‌آوری سطوح پارادایمی و نظام

مطلوب پیشرفت و رهسپاری به نظریه دین‌شناخت پیشرفت و

بر این پایه، بسامان‌آوری منبع پشتیبان مدل مفهومی و معارفی

دین رشد - توسعه و بدین سان شکل‌دهی معرفت‌شناسی دین

قرآنی پیشرفت به منظور مضمون‌بخشی دانش‌بنیانی الگوی

پیشرفت - توسعه و در این راستا، سازوکار دانشی ولایت دین

در خاستگاه‌بخشی به نظریه امامت - امت در پیوست با نظام

تنزیل قرآنی؛

تفسیر «هدی» اولین منظومه از دوگانه تفسیر ترتیبی قرآن کریم

در مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد) در سومین ویرایش

پیش‌رو است و مدخلی بر دو منظومه تفسیر «رشد» و تفسیر

«آینده‌نگاری راهبردی (تنزیلی)» است. ویژگی‌های خاص این تفسیر:

۱. بسامانی یک مدخل فلسفه دینی برای کل قرآن کریم در

توضیح چرایی رویکرد به آن، در شبکه کلی فلسفه گرایش به دین؛

۲. ضرورت دراختیارداشتن یک کل اجمالی و منظومه

نظریه، برای هم‌پژوهی تخصصی و تفصیلی سورگان قرآنی

در نظریه‌پژوهی پیشرفت و به تعبیری دیگر، تصویری معین از

هندسه عمومی و جامع پیشرفت‌شناخت قرآن کریم؛

۳. بسامانی یک مدخل عام معرفت‌شناختی در تبیین فلسفه دین

- فلسفه علم دین در راستای آن بنیان فلسفه دینی معین. می‌توان

در این هندسه جامع، از مجرای فلسفه دین به فلسفه معرفت

دینی وارد شد؛

۴. بسامانی مدخل عام روش‌شناختی در برآمدگی امکان

یک منطق سازوکاری درونی قرآن کریم، یک منظومه منطقی

رفت‌وبرگشتی از منطق معرفت تا منطق عمل آینده‌نگار؛

۵. و در کلیتی قابل‌پی‌جویی، رویکرد سازوکاری میان دو

ساحت نظام‌شناسی دین و نظام‌سازی توسعه‌ای؛

۶. و آشکارگی روشن‌تر نقطه و خاستگاه زیستمانی آموزگاری

دین خدا در معادله با مدنیت و امر تمدنی؛

۷. ایجاد فضای معرفت‌شناختی - گفتمانی در تکاپوی دادوستدی

نظام ترتیبی و تنزیلی به مثابه مفصل میان این دو سیستم؛

۸. زمینه‌سازی مدخلی گذار از نظام ترتیبی اجمالی به تفصیلی

در الگوی «تفسیر رشد» و در این راستا، گذار به نظام تنزیلی با

تأکید بر اصل آینده‌پژوهی به مثابه مدخل آینده‌نگاری راهبردی.

بازخوانی ساختاری سورة الزهراء



در دومین فراز سورة الزهراء (آیات ۴۰ تا ۱۲۳) آموختیم که سه فصل تحلیل پیش‌رو آمده است:

۱. فصل اول: نظریه «دین‌شناخت تاریخ» با آیات ۴۰ تا ۷۳

اول: امکان «تاریخیت معیار»، تاریخیت زنده مستمر انسانی،

الگوی تاریخی تجربه خودبانی رشد (آیات ۴۰ تا ۴۹)؛

دوم: ترجمان برش‌های موقعیتی تاریخی، «تاریخیت در

دسترس»: اینک انواع موقعیت‌ها در متن عینیت تاریخی (آیات

۴۹ تا ۶۱)؛

سوم: و «مکتب معین فلسفه تاریخ»: خاستگاه فلسفه دینی الگوی

رشد، معیار فلسفه دینی تاریخ و موقعیت تاریخی (آیه ۶۲)؛

چهارم: و جریان این مکتب تاریخی در دانش مبنایی الگوی

مدیریت تغییر و تحول: و اکنون تحلیل و خودآگاهی کانونی

به آن نظریه خودبانی رشد درضمن بازخوانی دانایی مبنای نظام

مدنی (آیات ۶۳ تا ۷۳).

۲. فصل دوم: جریان نظریه در بازخوانی انتقادی تاریخیت

بشری با آیات ۷۴ تا ۱۰۳

اول: انواع موضع‌گیری‌های سیاه دربرابر دین اصیل انبیایی

(آیات ۷۴ تا ۸۲)؛

دوم: بنیان فلسفه دینی نقد بنی اسرائیل بر مبنای اصل معیار

عبودیت بنی اسرائیل، درس بزرگ عبرت رشد (آیات ۸۳ تا ۸۶)؛

و سوم: اکنون مواجهه درون‌زا با خط استکبار یهودیت

ایدئولوژیک و موضع‌داری روشن دربرابر آن از آیه ۸۷ تا آیه ۱۰۳:

- آسیب‌شناسی زیستمانی استکبار قوم یهود: (آیات ۸۷

تا ۹۰)؛

- آسیب‌شناسی پارادایمی ایمان ادعایی یهود: چه ایمان بدی،

چه زشت‌ایمانی (آیات ۹۱ تا ۹۳)؛

- نقدی از منظر اوج عیار زیستمانی شوق مرگ: (آیات ۹۴ تا

۹۶)؛

- خط (ریشه و الگوی) معیار دشمنی بنی اسرائیل تاریخی:

(آیات ۹۷ تا ۱۰۳).

۳. فصل سوم: الگوی قرآنی زیست موضع‌دار دربرابر یهودیت

ایدئولوژیک با آیات ۱۰۴ تا ۱۲۳

اول: اصل تجربه درون‌زیستمانی جامعه دینی

(آیات ۱۰۴ تا ۱۱۰)؛

دوم: بازیگری تاریخی دین معیار

در انسان و هر جهان معاصر